



جایگاه مصلحت در سیره و سخن امام علی (ع)

محمدعلی مشایخی پور*

چکیده

اسلام دین خاتم است و این امر مستلزم ظرفیت این دین آسمانی در پاسخ به نیازهای بشر در همه زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط مختلف است. بخش عظیمی از این ظرفیت معلول اصل مهم مصلحت حکیمانه و منطبق با فطرت است. در سیره و سخنان امام علی (ع) این اصل مهم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که با استناد به آن می‌توان به رهیافت‌های نوینی در این‌باره نائل شد. مصلحت شامل مصالح دین و جامعه هر دو می‌شود. شیوه مصلحت‌یابی حضرت از طریق مشورت، نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر و بهره‌گیری از تجربه و دانش متخصصان انجام می‌گیرد. مصالح عامه، حکومتی و قانونی، سازمانی و حرفه‌ای و مصالح شخصی، انواعی از مصلحت است که آن حضرت مورد توجه و تأکید قرار داده است.

کلید واژه‌ها: مصلحت حکیمانه، تدبیر امور، امام علی (ع)، مصلحت دین، مصلحت جامعه.

مقدمه

خاتمیت و جامعیت اسلام آن را به صورت تنها دین پاینده‌ای درآورده است که ظرفیت اداره جامعه انسانی و اشباع نیازهای فردی و جمعی در هر شرائط، مکان و زمانی را دارد. یکی از آموزه‌های اساسی که از این جهت بسیار کارساز و مؤثر است مسئله مصلحت است. این که این اصل در سیره و سخنان امام علی(ع) چه جایگاهی داشته و چگونه نقش آفرین بوده است، محل نظر است و کاوش در اطراف آن می‌تواند برای جامعه امروز راه‌گشا باشد. با بررسی این مقطع کوتاه اما جوادانه در تاریخ اسلام، علاوه بر درس‌آموزی از جنبه‌های عینی و عملی رفتار حکومتی حضرت، از لحاظ تفوریک نیز شایان توجه است.

در این نوشتار سعی شده است عنصر مصلحت در نهج البلاغه مورد بررسی قرار گیرد تا با بازخوانی رفتار آن امام همام با اهمیت و نقش آفرینی این اصل مهم آشنا شویم.

مفهوم شناسی مصلحت

مصلحت برگرفته از ماده «صلح» در مقابل ماده «فسد» است: «الاصلاح تقيض الافساد، و المصلحة: الصلاح» (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۷، ۳۸۴)، بهبود بخشیدن، مخالف تباه کردن و مصلحت به معنای شایستگی است. مصلحت، عبارت است از آن چه که بر عمل، بار و سبب صلاح می‌شود. از این روی، کارهایی که انسان انجام می‌دهد و سبب سود بردن او می‌شود، به این نام [مصلحت] نام‌گذاری می‌گردند.

در سخنان فقیهان نیز مصلحت، به معنای سود دنیوی و اخروی به کار رفته است. صاحب جواهر می‌نویسد: «یفهم من الاخبار و کلام الاصحاب، بل ظاهر الکتاب ان جمیع المعاملات و غیرها انما شرعت لمصالح الناس و فوائدهم الدنیویة و الاخریة مما تسمى مصلحة و فائدة عرفا» (النجفی، ج ۲۲، ۳۴۴). از اخبار و سخنان فقیهان، بلکه ظاهر قرآن این معنی استفاده می‌شود که همه داد و ستدها و غیر داد و ستدها، برای مصالح و سودهای دنیوی و اخروی مردم، یعنی آنچه به نظر عرف مصلحت و سود نامیده می‌شود، تشریح شده است.

اقسام مصلحت

مصلح مورد نظر امام علی (ع) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱- مصلح مربوط به دین

۲- مصلح مربوط به جامعه

مصلح مربوط به دین

الف) مصلحت حفظ اسلام به عنوان یک مجموعه

منظور از این مصلحت حفظ اساس و کیان اسلام است که بر همه مصلح دیگر مقدم است در این باره می‌توان به نحوه برخورد آن حضرت در دفاع از حق خلافت خود در دوران خلفای سه گانه اشاره کرد. امام با اینکه خود را شایسته‌ترین فرد برای رهبری و حکومت می‌دانست و عقل و وحی بر حقانیت او گواهی می‌داد ولی او به چیزی جز مصلحت اسلام نمی‌اندیشید. اگر از حق خود و غضب آن توسط دیگران سخن می‌گفت، از خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی او سرچشمه می‌گرفت؛ با این حال او برای احقاق حق خود به اعمال زور و قوه قهریه متوسل نشد. او بیش از هر چیز به مصلحت اسلام و امت می‌اندیشید و حکیمانه و صبورانه همه دشواری‌ها را بر خود هموار کرد. آنجا که به حضور او در حفظ کیان اسلام و تأمین مصلح جهان اسلام نیاز بود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد: «همانا می‌دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. سوگند به خدا به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین رو براه باشد، و از هم نپاشد، و جز من به دیگری ستم نشود» (نهج البلاغه، خطبه ۷۳).

در نگاه حضرت حفظ دین از همه چیز مهم‌تر است و هر چیزی که از قبل تباه ساختن دین حاصل شود سودی نخواهد داشت: «آگاه باشید آنچه برای حفظ دین از دست می‌دهید زیانی به شما نخواهد رساند. آگاه باشید، آنچه را با تباه ساختن دین به دست می‌آورید سودی به حالتان نخواهد داشت» (همان، خطبه ۱۷۵).

ب) مصلحت حفظ اصول اسلام

در این مورد می‌توان به قتل رساندن و سپس سوزاندن عده‌ای از غلات توسط حضرت که اصل توحید را خدشه دار ساخته بودند و حضرت را به عنوان خدا مورد خطاب قرار می‌دادند اشاره کرد (ابن عساکر، ۱۴۰۰، ج ۳، ۲۶۲).

ب) مصلحت حفظ ارزشهای دینی

برخی از مثال‌های قابل طرح در این باره به قرار زیر است:

۱- ارزش عدالت‌گرایی: از نظر حضرت، آن اصلی که تعادل اجتماع را حفظ و رضایت همگان را تأمین می‌کند و پیکر اجتماع را قرین سلامت ساخته و به روح اجتماع آرامش می‌دهد، عدالت است (مطهری، ۱۳۸۴، ۴۳۷). آن حضرت در همان ابتدای حکومت، لزوم برقراری عدالت را متذکر شدند و در همان ابتدای کار به مصادره اموالی پرداخت که عثمان به ناحق از بیت‌المال به اطرافیان و خویشان خود بخشیده بود و در مقابل درخواست دوستان بر اغماض از اعمال گذشته و معطوف کردن کوشش خود به حوادثی که از این به بعد در زمان خلافت خود اتفاق می‌افتد چنین پاسخ دادند:

به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است (نهج البلاغه، خطبه ۱۵).

عدالت در نگاه امام علی(ع) چنان جایگاهی داشت که به تعبیر جرج جرداق تمام وصایا و نامه‌های امیرمؤمنان به والیان خود، حول یک محور بود و آن عدالت بود (جرج جرداق، ۱۹۷۰، ج ۲۱، ۱۲۰).

۲- ارزش امانتداری: حضرت در سیره حکومتی خود و نیز درنامه‌ها و خطبه‌ها ارزش امانت‌داری را بارها یادآوری کرده‌اند؛ آن حضرت وقتی متوجه شدند که دخترش گردن‌بندی از علی‌بن‌ابی‌رافع خزانه‌دار بیت‌المال به عاریت گرفته تا پس از سه روز برگرداند، همین که آن را در دست دخترش دید، ضمن سرزنش ایشان و یادآوری عدم خیانت در بیت‌المالی که به عنوان امانت به دست او سپرده شده، گردن‌بند را به بیت‌المال برگرداندند (المالکی، ج ۲، ۴-۳). همچنین در توصیه به والیان حکومتی خود ضرورت رعایت شئون حکومت به عنوان امانتی که می‌بایست در آن خیانت نکرد را یادآور شده است. آن حضرت در نامه به اشعث‌بن‌قیس فرماندار آذربایجان چنین می‌فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است» (نهج البلاغه، خطبه ۵).

۳- ارزش شایسته سالاری: از آنجایی که اسلام مکتبی ارزشی است مدیران آن نیز باید براساس ارزش انتخاب شوند. امام علی(ع) به مالک دستور می‌دهند که در انتخاب عمال و کارگزاران، افرادی را انتخاب کن که دارای تجربه کاری و حیا باشند.

۴- عدالت در تقسیم بیت‌المال: امام علی(ع) محکم و استوار بر عدالت در توزیع بیت المال ایستاد و با وجود همه مخالفت‌ها، سرانۀ بیت‌المال را به تساوی میان آنها تقسیم کرد و تبعیض‌های گذشته را زدود و میان عرب و غیر عرب تفاوت نگذاشت (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ۵۲۶). امیرمؤمنان(ع) حتی برای خویشاوندان خود هیچ مزیتی بر دیگران قائل نمی‌شد و در پاسخ به عقیل که خواستار مبلغی بیش از سهمش از بیت‌المال بود همین حقیقت را گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «من و تو نسبت به بیت المال، چون سایر مسلمانانیم» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۰، ج ۲، ۱۰۹).

فقیه بزرگ شیعه، شیخ محمدحسن نجفی، در اشاره به این ویژگی حضرت می‌گوید: «نصوص فراوانی حاکی از آن است که علی(ع) سرانه بیت المال را به مساوات میان مردم تقسیم می‌کرد و رعایت عدالت در این مورد از صفات ویژه آن حضرت به شمار آمده است» (النجفی، ۱۳۹۲-۱۳۹۸، ج ۲۱، ۲۱۶).

۵- جوانمردی: این ارزش را می‌توان در نحوه عمل آن حضرت در نبستن آب بر روی سپاهیان معاویه دید. همچنین شیوه برخورد آن حضرت با اسرای جنگ جمل و آزاد کردن آنها نمونه دیگری از فتوت آن حضرت است. امام صادق(ع) مصلحت ملحوظ در این نوع عملکرد را چنین بیان می‌دارند:

چون امام علی(ع) می‌دانست که بعدها حکومت در دست دیگران قرار می‌گیرد و اگر امروز سخت‌گیری کند و دستور پی‌گیری دهد در آینده به سود شیعیان او نخواهد بود، بنابراین با در نظر گرفتن این جهت و در چنین شرایطی فرمان آزادی و بخشش اسرا را صادر فرمودند (کلینی، ج ۵، ۳۳).

مصالح مربوط به جامعه

این مصالح را می‌توان به قرار زیر تقسیم بندی نمود:

الف) مصالح مربوط به حفظ نظام اسلامی

جنگ‌های دوران حکومت حضرت تنها در جهت حفظ نظام اسلامی بود. از دیگر مصالحی که آن حضرت برای حفظ نظام اسلامی روا دانست، موردی است که طی آن برای پالایش جامعه از

فساد و فحشاء به ازدواج زنان بدکاره دستور دادند تا مفسده‌انگیزی آنان در جامعه فروکش کند و با رهنمون کردن آنها به کانون‌های خانواده و ایجاد علقه و دلبستگی خانوادگی میان آنها و خانواده، کوشید تا هم آنها و هم جامعه را از ورطه هلاکت و فساد نجات دهد (طوسی، ۱۹۹۲، ج ۱۰، ۱۵۴).

ب) مصالح مربوط به اداره جامعه

این مصالح را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱- حفظ یکپارچگی و هم‌بستگی افراد جامعه: سکوت ۲۵ ساله حضرت، و کوشش‌های آن حضرت برای ایجاد وحدت و جلوگیری از جنگ در طی حکومت پنج ساله او را می‌توان از مواردی دانست که طی آن مصلحت حفظ یکپارچگی جامعه منظور شده است. آن حضرت در تشریح توطئه سران ناکشین چنین می‌فرمایند:

همانا ناکشین عهد شکن به جهت نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوستند، و من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم صبر خواهم کرد، زیرا آنان اگر برای اجرای مقاصدشان فرصت پیدا کنند، نظام جامعه اسلامی متزلزل می‌شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹)

۲- پیشرفت جامعه از نظر فرهنگی و اقتصادی: فرستادن والیان حکومتی به مناطق مختلف و فرستادن مأموران برای اخذ مالیات، از جمله اقداماتی است که آن حضرت برای پیشرفت جامعه انجام داده‌اند. در فرمان امام به مالک اشتر در خصوص گرفتن مالیات آمده است:

مالیات و بیت المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت (همان، نامه ۵۳).

به بیان دیگر حضرت می‌فرمایند که عمل کردن بر طبق مصلحت مالیات‌دهندگان و رعایت مصالح خراج‌دهندگان در نهایت به مصلحت خود حکومت خواهد بود و این نگرستن در حال مالیات‌دهندگان به این معنی است که حاکم جامعه می‌بایست، به لحاظ شرایط زمانی و مکانی و امکانات مردم از آنها مالیات و خراج بگیرد. چنانکه در جملات بعد به این مضمون تصریح می‌فرمایند:

پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات یا آفت‌زدگی یا خشک شدن آب چشمه‌ها یا کمی باران یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج، تو را نگران نسازد (همان).

امام علی(ع) در اشاره به یک اصل راهبردی می‌فرماید که حکومت می‌بایست به آبادانی، بیشتر توجه کند تا به گرفتن مالیات: «نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أْبْلَغُ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا» (همان)، در این جمله رابطه و نسبت میان مسائل اقتصادی و معیشتی جامعه و حفظ و استقرار نظام به گونه‌ای تبیین شده است و آن حاکی است که بدون آبادسازی و عمران کشور فقط به گرفتن مالیات بپردازد مخالف مصلحت (بلاد و عباد) و در واقع مخالف مصلحت و پیشرفت جامعه عمل نموده و پایه‌های حکومت و نظامش متزلزل خواهد شد.

شیوه‌های مصلحت‌یابی

منظور از این شیوه‌ها اموری است که حضرت علی(ع) در مصلحت‌یابی از آنها استفاده کرده است یا به دیگران توصیه نموده است. اینک به معرفی شیوه‌های مصلحت‌یابی آن حضرت می‌پردازیم.

۱- مشورت:

انسان هر اندازه باتجربه و اهل دانش باشد، از مشورت با دیگران بی‌نیاز نیست. نقش مشورت در زندگی نقشی اساسی است؛ پیامبر و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) علاوه بر اینکه خود مشاور مردم بودند و پیوسته به راهنمایی آنان می‌پرداختند، با دیگران نیز مشورت می‌کردند. با مراجعه به سیره آن حضرت مواردی را مشاهده می‌کنیم که آن بزرگوار از مردم، طلب مشورت نموده‌اند و مردم نیز رأی خود را اعلام کرده‌اند و در آن موارد، حکم طبق رأی اکثریت صادر شده است، گرچه در ابتدا نظر رهبری خلاف نظر اکثریت بوده است. حضرت هنگامی که خواستند به شام بروند، مهاجرین و انصار را فرا خواند و پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود:

امابد، بی‌گمان شما کسانی هستید که نظرتان را محترم، خردتان را ارجمند، سخن‌تان حق و کردار و رفتارتان نیکوست و اکنون آهنگ آن کرده‌ایم که سوی دشمن خود و شما رهسپار شویم، پس نظر مشورتی خود را اعلام دارید (منقری، ۱۳۸۲، ۹۲).

حضرت با این‌که نسبت به اوضاع تسلط کامل داشتند و نیاز به مشورت با دیگران نداشتند، اما می‌بایست این نکته را مدنظر قرار دهیم که هرکس موضوعات و مسائل را از زاویه و بعد خاصی مورد بررسی قرار می‌دهد و این دیگران هستند که مسائل را از ابعاد مختلف و گوناگون، تجزیه و تحلیل نموده و با شور و مشورت، مسأله را از همه ابعاد، مورد بررسی قرار می‌دهند و در واقع مصلحت‌سنجی می‌کنند.

۲- نصیحت:

حضرت یکی از حقوق حاکم بر مردم، که به عبارتی یکی از وظایف مردم در قبال حاکم است، را نصیحت و خیرخواهی مردم نسبت به حاکم می‌داند؛ مردم می‌بایست در نهان و آشکار این حق را ادا کنند:

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هر گاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

این ادای حق خیرخواهی و نصیحت، ابتدائاً از جانب مردم نسبت به حاکم است و مردم از یک سو می‌توانند در قالب همین نصایح، مصالح مورد نظر جامعه و معضلات موجود را مستقیماً به حاکم و رهبرشان منتقل نمایند و از طرف دیگر رهبر نیز می‌تواند به خوبی از نصایح عنوان شده مصلحت‌های جامعه را بیشتر و بهتر باز شناسد. البته انجام این مهم متفرع بر تدابیری است که اتخاذ آن تدابیر امکان چنین امری را فراهم آورد. از جمله این تدابیر به دو امر مهم

اشاره می‌کنیم که حضرت در عهدنامه مالک به صراحت بیان فرموده‌اند؛ اول: اختصاص زمانی خاص برای کسانی که نیاز به چنین گفتگویی دارند و ترتیب یک مجلس عمومی برای شنیدن سخنان آنان و دوم: آنکه شرایط و حال و هوای مجلس و اطرافیان رهبر و همچنین منش گفتاری و رفتاری حاکم به گونه‌ای باشد که از نظر روحی و روانی بتواند به راحتی و حتی بدون لکنت زبان سخن خود را با رهبر مطرح کنند (همان، نامه ۵۳).

۳- امر به معروف و نهی از منکر

معمولاً از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مرتبه و مرحله‌ای پس از دعوت به خیر و نصیحت ذکر می‌شود و این تأخیر، از این آیه کریمه استفاده شده است:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما طایفه‌ای باشند که مردم را به سوی

خیر دعوت نموده، امر به معروف و نهی از منکر کنند. و این طایفه همانا

رستگارانند (آل عمران، ۱۰۴).

باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر، هم از صفات حکومت است و هم از صفات امت و امت هم در قبال حکومت و هم در میان خود موظف و مسئول نسبت به این وظیفه می‌باشد. برای امت و حکومت آن قدر این صفات ارزشمند است که به فرموده حضرت، این صفات (امربه معروف و نهی از منکر) از صفات الهی هستند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

بر طبق آیات شریفه یکی از ویژگی‌های مؤمنان، همین امر به معروف است؛ دقیقاً نقطه مقابل آن منافقان هستند که امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند (توبه، ۷۱). امام علی(ع) در هنگام بیان فلسفه احکام، از امر به معروف با عنوان مصلحت برای عوام یاد می‌کند: « امر به معروف را (واجب کرده) به جهت مصلحت عوام و نهی از منکر را از برای بازداشتن سفیهان» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

یکی از مواردی که مردم حق دارند امر به معروف و نهی از منکر کنند، در مورد مسئولان و حاکم جامعه اسلامی است؛ حاکمان اسلامی از این طریق می‌توانند از اشکالات موجود در روند فعالیت اجرایی، نظامی، اقتصادی و قضایی که بسا مورد غفلت آنان قرار گرفته است مطلع شوند و در اتخاذ تصمیمات و تشخیص مصالح، بهتر و دقیق‌تر عمل نمایند.

۴- بهره‌گیری از تجربه و دانش متخصصان

بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و افراد آشنا به امور می‌تواند به عنوان منبعی برای تشخیص مصلحت باشد؛ آنان که از تجربه‌های خود و دیگران به درستی استفاده می‌کنند، در تصمیم‌گیری‌ها کم‌تر دچار اشتباه می‌شوند و از توفیق بیشتری در اداره امور برخوردارند. در سفارش‌های امام علی(ع) آمده است: «برترین کسی که با وی مشورت می‌کنی باید دارای تجربه‌های فراوان باشد» (غررالحکم، ج ۱، ۲۰۵) و نیز آمده است: «بهترین کسی که با او مشورت می‌کنی خردمندان و دانشمندان و صاحبان تجربه‌ها، دوراندیشی‌ها هستند» (همان، ۳۵۰). آنان که تجربه فراوانی دارند، از آرای پخته و اندیشه‌ای قوام‌یافته برخوردارند و می‌توانند در تشخیص مصلحت یاری‌گر انسان باشند.

انواع مصالح در نهج البلاغه

با بررسی در کلام امیرمؤمنان علی(ع) در نهج‌البلاغه چهار نوع مصلحت را می‌توان از هم باز شناخت: مصلحت عمومی، مصلحت حکومتی و قانونی، مصلحت سازمانی و حرفه‌ای و مصلحت شخصی.

الف - مصلحت عمومی

مصلحت عامه مجموعه‌ای از ارزش‌هاست. محتوای این مجموعه فراتر از رعایت صرف خواسته‌ها و آمال سیاسی است. مفهوم عامه در تقوای رهبران، تحقق برادری، مساوات و عدالت متبلور می‌شود (منوربان، ۱۳۸۶، ۱۷).

در خصوص مصلحت عمومی به برخی عبارات نهج‌البلاغه اشاره می‌شود:

۱. در وصیت به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) پس از ضربت خوردن چنین می‌فرمایند:

«شما را، و تمام فرزندان و خاندانم را، و کسانی را که این وصیت به آنها

می‌رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در

میانتان سفارش می‌کنم، زیرا من از جدّ شما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

شنیدم که می‌فرمود: اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر

است» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷).

۲- «و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و نا توانان از عدالت تو مأیوس نگردند» (همان، نامه ۴۶).

بنابراین مصلحت عامه در سخنان حضرت با این ویژگی‌ها شکل گرفته است:

- تقوا و خداترسی در امور؛

- عدم فراموشی عدالت و انصاف در کارها؛

- اعتدال و میانه‌روی در امور؛

- پرهیز از افراط و تفریط.

ب- مصلحت حکومتی و قانونی

مصلح و منافع حکومتی و قانونی اعضای جامعه در قالب موازین و اصول مصوب تبیین می‌شوند. از تکلیف‌های کارگزاران و مدیران، رعایت قانون و احترام به آن است؛ اما باید به خاطر داشت که رعایت قانون به معنای پیروی بی‌چون و چرا از قوانین نیست بلکه مدیران باید روح قانون را درک کنند و آنها را با مصالح مراجعان و مصالح قانونی را با مصالح عامه تطبیق دهند.

پاره ای از سخنان حضرت در خصوص مصلحت حکومتی و قانونی این گونه است:

۱- «ای مردم سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر آن که پیش از

آن، خود عمل کرده‌ام، و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز آن که پیش از آن، ترک گفته‌ام»

(همان، خطبه ۱۷۵).

۲- «و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن

پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن، و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته

زیان وارد می‌کند، پدید نیآور، که پاداش برای آورنده سنت، و کیفر آن برای تو باشد که آنها را

در هم شکستی» (همان، نامه ۵۳).

۳- «پس از ستایش پروردگار من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم، که در

روزهای وحشت، نمی‌خواهد، و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند..... آنجا که با حق

است، سخن او را بشنوید، و از او اطاعت کنید» (همان، نامه ۳۸).

مستفاد از سخنان گهربار فوق این که مصلحت حکومتی و قانونی در گرو رعایت قانون و اجرای درست آن است. با گذشت زمان نیز باید قانون را بررسی و در آن حک و اصلاح لازم را ایجاد کرد. مگر در مورد کتاب خدا که حکم آن ابدی و ازلی است.

پ- مصلحت سازمانی و حرفه‌ای

در برخی سازمان‌ها آن‌چنان حاکمیت و سلطه‌ای دیده می‌شود که انسان‌ها را اسیر و برده خود می‌کنند. انسان سازمانی، ویژگی‌ها و خصوصیات سازمان را به خود می‌گیرد و از خصایص انسانی عاری می‌شود. در تدوین اخلاقیات سازمانی، مصلحت و منفعت سازمانی و حرفه‌ای باید به گونه‌ای تدوین شود که ارزش‌های دیگر، مخدوش و منکوب نشوند.

بهره‌وری، تخصص‌گرایی، توجه به دانش و علم در رشته کاری و ایجاد وحدت رویه در سازمان از زمره مقوله‌هایی هستند که در مصالح سازمانی و حرفه‌ای باید مد نظر باشند. امام (ع) ضمن توجه همه جانبه به سازمان و ارزش‌های انسانی، نکاتی را متذکر شده‌اند که برخی از نظر می‌گذرد.

۱- «جایگاه رهبر چونان ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته به هم پیوند می‌دهد. اگر این رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده و هر کدام به سویی خواهند افتاد و سپس هرگز جمع‌آوری نخواهند شد» (همان، خطبه ۱۴۶).

۲- «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی» (همان، نامه ۵).

۳- «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود» (همان، نامه ۵۳).

می‌توان مضمون تعبیر حضرت را در قالب رهنمودهای زیر ارائه کرد:

مدیران و رهبران همچون رشته‌های تسبیح، وحدت‌بخش و انسجام دهنده‌اند. پس محور سازمان باشید و نیروها را متفق و متحد سازید؛

به هرکس در سازمان کاری در خور او محول کنید؛

از اسراف بپرهیزید؛

حافظ بیت المال و اموال سازمان باشید.

مراقبت و نظارت را از یاد نبرید؛

مشورت با علماء و دانشمندان را فراموش نکنید؛

به خاطر داشته باشید که شما امانت‌دار مردم هستید، این شغل امانتی است نزد شما، نه وسیله امرار معاشتان.

ت - مصلحت شخصی

انسجام میان افراد و اعضای جامعه و پیوند آنها با دولت، به حکومت نیرو و توان می‌بخشد. هرگاه ارزش‌ها و انتظارات فردی و ارزش‌های مقبول جامعه و سازمان‌ها یکسان باشند، دیگر نمی‌توان بین مصلحت شخصی و سازمانی و عمومی فرقی قایل شد.

ارزش‌هایی فردی محسوب می‌شوند که اگر فرد آنها را رعایت کند موجب تسهیل در امور و برداشته شدن گام‌هایی در جهت تأمین مصالح عمومی در جامعه می‌شود.

در سخنان گهربار امام در این زمینه سفارشات فراوانی رسیده است که به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. «بسر نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آن چه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آن چه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن گونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار» (همان، نامه ۳۱).

۲. «باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دستت، تندی زبانت را در اختیار خود گیر» (همان، نامه ۵۳).

۳. «پس نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد، هوای نفس را در اختیار گیر، و از آنچه حلال نیست خویشتن داری کن» (همان).

بدین‌سان مصلحت شخصی در سخنان حضرت به گونه‌ای روشن و دقیق ترسیم شده است و می‌توان آن را به این صورت بیان کرد:

- در انجام دادن امور خودپسندی پیشه نکنید؛

- خویشتن‌دار و شکیبیا باشید؛

- پرهیزگاری در همه امور را از یاد نبرید؛
- راستگو و درستکار باشید و کردارتان را نیکو گردانید.

نتیجه

در واقع، مصلحت‌اندیشی وسیله‌ای برای حفظ و بقای دین در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون است که نوعی انعطاف‌پذیری به دین و احکام اسلامی می‌دهد تا در شرایط مختلف و حساس، اصل آن حفظ شود. لذا اصل، انجام دادن تکالیف اولیه است. پس نباید مصلحت به وسیله‌ای برای حفظ حکومت و قدرت تبدیل شود و به بهانه حفظ آن، احکام دین به تعطیلی کشانده شود. در اسلام، حکومت تا جایی معتبر است که عامل و ابزاری برای اجرای احکام باشد. اگر قرار باشد خود آن به تعطیل دین بپردازد، از نظر اسلام مشروعیت ندارد و نقض غرض خواهد شد. ذکر این نکته ضروری می‌نماید که هرکسی نمی‌تواند تشخیص دهنده مصلحت باشد و متعلق مصلحت هم هر چیزی نمی‌تواند باشد. رعایت اهم و مهم در مصلحت‌اندیشی‌ها نیز ضروری است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای، چاپ سوم، قم: دارالقرآن کریم، ۱۳۷۹.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹.
- ابن عساکر، ترجمه الامام علی ابن ابیطالب من تاریخ مدینه دمشق، بیروت: مؤسسه المحمودی للطباعه، ۱۴۰۰ ه ق.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه ق.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ه ق.
- جرق جرداق، الامام علی صوت العدالة الانسانیه، بیروت: دارالمکتبه الحیاط، ۱۹۷۰.
- شرتونی، سعید النوری، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، جلد دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی (دفتر دوم)، چاپ دوم، تهران: دریا، ۱۳۸۵.

- طوسی، محمدبن حسین، **التهذیب**، بیروت: دارالتعارف المطبوعات، ۱۹۹۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب، **فروع کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- النجفی، محمد، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تحقیق عباس القوجانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲-۱۳۹۸ ق.
- منقری، نصرین مزاحم، **واقعه صفین**، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، چاپ دوم، قم: منشورات مکتبه بصیرتی ۱۳۸۲.
- منوریان، عباس، **اخلاق کار و ارزش‌های سازمانی**، تهران: مؤسسه مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۶.
- المالکی، ابوالحسین ورام ابن ابی فراس، **تنبيه الخواطر ونزهه النظائر(مجموعه ورام)**، بیروت: دارالصعب دارالتعارف، بی تا.
- محمدی ری‌شهری، محمد، **علم و حکمت در قرآن**، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۹.
- مطهری، مرتضی، **سیری در نهج البلاغه**، قم: صدرا، ۱۳۸۴.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.